

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۰ سپتمبر ۲۰۱۱

## چرا "عالمان دین" از علم می ترسند؟؟

از نوشتن کلمه (عالمان) در پهلوی کلمه دین معذرت می خواهم. این دو کلمه از ساخته‌ها و پر داخته‌های ذهنیت یک تعداد دکانداران دین و آنهایی که کلیدهای بهشت را به گفته خودشان در دست دارند، می باشد؛ که همیشه کلمه عالم – دانشمند و غیره را پیشوند نامشان ساخته و کلمه دین را پسوند آن قرار داده اند تا به نوشته‌های خود پیرامون یک مشت خرافات کشنده و مسموم کننده نام علمی بدهند و دین را در ردیف سایر علوم قلمداد نمایند، تا باشد که به مقام اجتماعی شان در بین عرب زده‌ها افزوده گردد.

به هر صورت من چنانچه قبلاً هم عرض داشته‌ام منظور از نوشتن این دو کلمه "علمای دین" که من در نوشته‌هایم گاه گاهی از آن استفاده می کنم آن نیست که من یک تعداد پیروان اعراب را که سالها است در پسمانی های فکری مردم ما و دزدی شعور سیاسی و علمی جوانان ما نقش نوکر منشان به نفع اجانب و استعمار داشته‌اند و ترویج دهنده انواع خرافات دینی در جامعه ما بوده و هستند، من حیث عالم دین شناخته و به ایشان احترام گزارم. من به علم و عالم و دانشمند و معلم احترام فوق العاده دارم. اما از آنجا که در برداشت من ادیان هیچ کدامشان علم نبوده بلکه به عکس در جهت مخالف، علم و دانش قرار دارند فلذا دین را علم ندانسته و کسی را هم به نام عالم دین نمی‌شناسم.

مفسر، تقلید کننده، رواج دهنده، دکاندار وابسته به نیروهای استثمارگر پشت پرده و مخفی چرا نی؟

میتوان به آن‌ها چنین پیشوند اسم داد . . من به انسان و به هم وطن خود احترام دارم و تا جایی که باور مندی های عقیدتی مربوط خودش بوده و ضرری از آن متوجه افراد دیگر و جامعه متصور نبوده و در گرو اجانب محصور نشده باشد و همچنان در بسته شدن مردمان آزاده ما در زنجیر های استعمار همکار نباشند و تلاش نمایند به آنها هم احترام دارم . اما وقتی که از این حدود خارج و تطبیق اجباری آن بالای مردم ما حکم شود دیگر از حدود یک عقیده شخصی خارج شده و شکل فرمان و دستگیر را می گیرد که من با این عمل مخالفم و علیه ایده‌های خرافاتی تا آنجا که توان دارم مبارزه خواهم نمود نه با هموطنم فقط با ایده هایش که خرافاتی – نادرست- استعماری که اجنبیان بر ما توسط آن‌ها تحمیل نموده و مینمایند مبارزه خواهم نمود . بدین ملحوظ من دایما از هموطنانم که با نظریات و عقاید بنده و امثال من مخالفت دارند و یا خوش شان نمی‌آید خواسته ام تا بیایند در یک فضای آرام و دوستانه با محبت و

صمیمیت از راه منطق و استدلال علمی با اندیشه‌های همدیگر جنگیده و تفاهم نمائیم نه با شخص نویسنده یا گوینده. تاباشد که راه حقیقت و حقیقت پذیری رو شتر گردد و مدتی خوشحال بودم از این که چند تن از هموطنانم درین راستا نوشته‌های نمودند و دلایل خود را و آنچه آموخته بودند بیان نمودند. اما آن نوشته‌ها کوتاه و غیر قانع کننده و اغلب با **عصبانیت** بوده است. من هنوز هم منتظر جوابات اسلام شناسان **پیرامون شیطان – فرشته و ملایکه هستم** و همچنان استاد دانشمند و گرانمایه ما (آقای نعیمی) که **خوشبختانه معلم فزیک هم هستند** زیر عنوان (چیستی الله؟؟) از این عالمان دینی پرسیده بودند که متأسفانه آقایان مولوی صاحبان و پروهشگران اسلام در مقابل تا امروز خاموشی اختیار نموده اند ما تا روشن شدن استدلال دینی آن منتظر خواهیم بود. (با معلمین و دانشمندان مخصوصاً در رشته فزیک نمیتوان شوخی نمود) تا برای هموطنانم درین باره روشنی بیشتر ببندازند چون تنها نام گذاری بر شیطان به اسم **زاک** یا **جان** گافی نبوده و **مشکلات فهمی** را رفع نمی دارد و با فهم این که برای شان مشکل خواهد بود تا از یک ایده غلط و یک مفکوره غیر انسانی که منافع اجنبیان و نیروهای استعماری در لابه لای آن پیچیده شده باشد، آنرا علمی قلمداد و **به شکل مترقی در مغزها ترزیق** نمایند. چون مردم ما دیگر آن مردم دهه های قبل نیست و می دانند کی چی می گوید؟؟ صحبت نمودن در محفل دوستان و چند نفر – در محراب مسجد و چنین جاها به مراتب آسان تر است تا نوشتن با مسؤولیت (نه چرنديات و فحاشی) در یک سایت انترنیتی؟؟

چون در آن جاها جز دوستان و خوش بینان و یا انسانهای هم قماش و یا **آنهایی که هنوز بیدار نشده‌اند** کسی دیگری نیست که استدلال نماید. دلیل بگوید و سخن گو مجبور باشد به **قناعت معترض پرداخته** و یا با پریشان حالی مجلس را ترک نماید. **اما در یک سایت انترنیتی** که به هزاران هموطن ما اعم از پیرو جوان – زن و مرد همه آن نوشته ها را می خوانند و در باره آنها قضاوت می نمایند، برای شان مشکل است. اگر این دانشمندان ادیان مخصوصاً دین اسلام چیزی منطقی دارند **بیابند بنویسند و بنویسند** و تبلیغات دینی خود را شروع و به **هزاران هوطن ما بفهمانند که ماهیت دین اسلام چیست؟؟** بیابند از این دین زن ستیز که **پایه های بردگی و کنیزی را به شکل مقدس آسمانی در جامعه میخ کوب نموده** اند دین مترقی – دین برادری و برابری بسازند و بنویسند؟؟؟؟ باید از اساسات و موضوعات بنیادی دین صحبت نمود و مثال آورد نه از فرعیات.

بیانیم روی اصل مطلب که عنوان این نوشته است: دوستان و عزیزان ما خبر دارند که چندی قبل آقای خواجه نین مولوی ربانی اظهار ترس و خوف خود را از (جوانان انتر نیتی و فیس بوکی) مستقیماً در خطاب به اصطلاح علمای دینی ابراز و به **آن‌ها هوشدار داد** تا به خود آیند و کاری نمایند ورنه **این جوانان قدرت را از آن‌ها خواهند گرفت؟؟** با وجودی که اظهار چنین جملات که از منبع و منشاء خاص نشأت می نماید از شخصیت چند بعدئی مثل مولوی ربانی که بد بختانه لقب پروفیسوری هم دارند، رهبر یک باند جنایت کار و خاین برای مدتی طولانی هم بوده‌اند و در سارشان و فریب کاری امتحان هم داده‌اند؛ جز اعتراف به حقایق عینی جامعه چیزی دیگری نمیتواند باشد.

بلی! او و امثال شان یقین کامل دارند که **با بیدار شدن جوانان و انسان‌های آگاه دیگر جایی برای فضل فروشی و تجارت های دینی نمی‌ماند و بر مبنای همین ترس است که تمام شعور دزدان انسانی و دین فروشان با برادرن هم جنس خود که همان خائنین به وطن پرچمیان و خلقیان می باشند در اتحاد نا مقدس علیه مردم بی پناه ما قرار گرفته اند تا به هر شکلی که ممکن باشد از رشد و پیشرفت مردم مخصوصاً نسل جوان که روز تا روز با آگاهی بیشتر سیاسی و اجتماعی در بین مردم جا باز می دارند و عمر این **مضحکه های تاریخ** را کوتاهتر می سازند جلو گیری نمایند.**

این نوع مردم حاضر به هیچ نوع رو یارویی با علم و دانش نیستند چون چیزی ندارند جز خرافات تا در طرح آن شجاعت داشته باشند. آن‌ها به پیروی از بزرگان و بادران خود همیشه با **علم در ستیز بوده** و تا اندازه توان خود در راه شگوف شدن ذهنیت های انسانی موانعی ایجاد نموده و می نمایند و می خواهند به هر شکلی است از رشد و تکامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها در جوامع مختلف جلو گیری نمایند.

همین چند سال پیش آقای مولوی خرم که وزیر اطلاعات و فرهنگ دولت پو شالی فعلی بود حدود یازده هزار جلد کتاب را نابود نمود و در صحبتی با خبر نگار گفت: **این کتاب‌ها عقاید مردم را خراب می کند**؟؟؟؟؟؟ آقای خرم ملامت نیست. او یک ملا و یک جنگ سالار اسلامی است و پابند به منافع اعراب و بیگانگان. اعراب در زمان قدرت شان (عمرو بن العاص) کتابخانه سکندریه و (قتیبیه بن مسلم) در خوارزم همه کتاب‌ها را به آتش کشید که به ارتباط این کتاب سوزی ها بد نخواهد بود روی اسناد و مدارک تاریخی مکئی نمائیم.

ابو ریحان بیرونی در کتاب (آثار الباقیه عن القرون الحالیه) چنین می گوید: ..... و علت اینکه ما از اخبار بی‌خبر مانده‌ایم این است که: قتیبه بن مسلم باهلی، نو یسندگان و هیر بدان خوارزم را از **دم شمشیر** گذرانید و آنچه مکتوبات (خوارزمیان از کتاب و دفتر داشتند همه را **طعمه آتش** کرد (سالهای ۹۰ هجری) و از آن وقت خوارزمیان امی و بی‌سواد مانده اند. همچنان جرجی زیدان، ادیب، مؤرخ و روز نامه نگار لبنانی در کتاب تاریخ التمدن اسلامی تر جمه "علی جواهر کلام" که تا به حال بیش از ۳۰ بار در جهان عرب به چاپ رسیده ده صفحه تمام را به **شرح سو ختاندن کتابخانه‌های پارس و خراسان** توسط سعد بن ابی وقاص که دستور آنرا طی فرمانی از سوی **خلیفه عمر** در یافت داشته بود، می پر دازد. جرجی زیدان درین کتاب چنین می‌نویسد:

خود من تا چند سال پیش که کتاب تاریخ "مصر الحدیث" (تاریخ نوین مصر) را نوشتم با نظر آنهایی که چنین آتش سوزی را بعید می دانند موافق بودم ولی در سالهای اخیر بر اثر مطالعات بیشتر و دسترسی به منابع زیادتیر نظر طرفداران این انهدام را به اساس شش دلیل استوار تر جیح دادم (تاریخ تمدن اسلامی تر جمه فارسی ص ۴۳۴ تا ۴۴۴). دولت شاه **سمر قندی** در "تذکره الشعراء" به یکی دیگر از ماجرا های کتاب سوزی اعراب می پردازد (حکایت کنند که امیر عبدالله بن طاهر به روزگار خلفای عباسی امیر خراسان بود. روزی در نیشاپور نشسته بود شخصی کتابی آورد و به تحفه پیش او نهاد. پر سید که این چه کتابی است؟ گفت: این قصه ای وامق و عذرا است که خوب حکایتی است، که حکما به امر نوشیروان جمع کرده‌اند. امیر فرمود: **ما قرآن خوانیم به غیر از قرآن و حدیث پیغمبر چیزی نمی خوانیم**. این کتاب تألیف **مغان** است و پیش ما مردود است سپس حکم کرد که در قلمرو من هر جا که از **تصانیف عجم و مغان کتابی باشد جمله را بسوزانید**). و درین مورد دهها واقعه تاریخی رخ داده که عر بها و دنباله روان آنها از ترس علم و دانش مردم که باعث خراب شدن عقاید شان می شده به کتاب سوزی و خرابی بنیاد های روشنگری پرداخته اند.

باید پر سید که **این چه نوع عقایدی است** که به خورد مردم داده‌اند که با خواندن چند کتاب **آن عقیده خراب و باطل می‌شود**؟؟ باید پرسید که اگر آن عقیده و آیده که شما در ذهنیت مردم ما تزریق نموده و می نمائید عقیده پوشالی و خیالبافی نیست و آن **باور ها عقیده واپس گرانی نیست، پس چرا می تر سید**؟؟ بگذارید مردم همه نوع کتاب را راجع به همه چیز بخوانند تا بفهمند کدام عقیده راست و کدام آیده خرافاتی و راه گم کننده است؟؟

**همو طن:** لطفا یک کتاب علمی و ساینسی یا بیولوژیکی را در پهلوی صد ها جلد کتاب علمای فقه اسلامی بگذار و ببین تفاوت راه از کجا است تا به کجا؟؟ ساده‌تر عرض نمایم: **قرآن را به فارسی بخوان، و با دقت بخوان** ببین به آن چیزی که ایمان آوردی و این تیر اوران اسلام در باره تطبیق آن گلو پاره و شکم می درند چی می گوید؟؟ بعد آن

احادیث نبوی که گفتار محمد بنیان گذار اسلام است و نهج البلاغه که گفتار علی صاحب ذوالفقار که به هزاران انسان بی‌گناه را از تیغ کشیده و دارائی مردم مظلوم و بی‌پناه را ب شمول زنها و دختران شان به تاراج برده است مطالعه نما و همچنان به صد ها کتاب و نوشته های این دینی ها و تیر آوران اسلام و اعراب را بخوان و به دقت بخوان..... از نتیجه اش بنویس .. برای همه بنویس تا همه بدانند برداشت شما چیست؟؟